

نگاه

تبدیل به‌مشتی نادان شده‌ایم؟

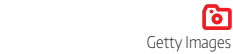
📖 **پاسر نوروزی** «اخبار افراد نادان را به حماقت و اقتداری تصنعی مجهز می‌کند». این جمله گوستاو فلوبر، نویسنده بزرگ فرانسوی و خالق رمان «امادام بوآری» است؛ رمانی که آن را کتاب مقدس رئالیسم و آغازگر جریان واقع‌گرایی در ادبیات جهان می‌دانند. جمله قابل تأمل فلوبر به قرن نوزدهم برمی‌گردد و زمانی که روزنامه‌های پرتیزتر قدرت مطلق اخبار بودند. با این حال با هوش و نبوغی عجیب دریافته بود که این آیین نو، به‌زعم فیلسوف آلمانی، هگل، در حال جایگزین کردن آیینی دیگر برای انسان معاصر است. فلوبر از اخبار نفرت داشت: «چون معتقد بود موزیانه خوانندگان خود را ترغیب می‌کند که قوه تفکر خود را به دیگران بسپارند؛ کاری که هیچ انسان شریفی حاضر به انجام دادنش نمی‌شود. مطبوعات تلویحا به خوانندگان خود القا می‌کند که اکنون می‌توانند در امنیت کامل، کار شکل دادن به عقاید پیچیده و هوشمندانه درباره مسائل مهم را به کارمندان این تشکیلات بسپارند و ذهن خواننده اکنون می‌تواند سفرهای طولانی اندیشه و تأملات خود را رها کند.» (کتاب اخبار، آگن دوباتن، ص ۶۷) به همین علت اخبار را قابلیتی می‌دانست که می‌تواند ما را به مشت‌نادر تبدیل کند. نگاهی به دور و بر ببیند. گوش‌های هوشمند آیا با ما چنین نکرده‌اند؟ انبوه خبر به شکلی بی‌همار و گسترده، فارغ از جعل و حقیقت، در حال سرازیر شدن هستند و ما در هاله‌ای از وهم انگار می‌دانیم چه خبر است. مثل این است که از جنبنده‌های مولکولی در اعماق خاک‌های اقیانوس اطلس بپرسیم، دریا چیست؟ برای همین فلوبر در دهه هفتم قرن نوزدهم واژه‌نامه‌ای تهیه کرد با عنوان «عقاید اکتسابی» که موضوع را بهتر و روشن‌تر شرح می‌داد. این واژه‌نامه الگویی را نشان می‌داد که مطبوعات (و در شکل امروزی آن رسانه) در حال تزریق آن بودند:

«بودجه: همیشه ناهم‌تراز. عکاسی: نقاشی را از دور خارج خواهد کرد. کاتولیسیم: تأثیر بسیار مثبتی بر هنر داشته است.»

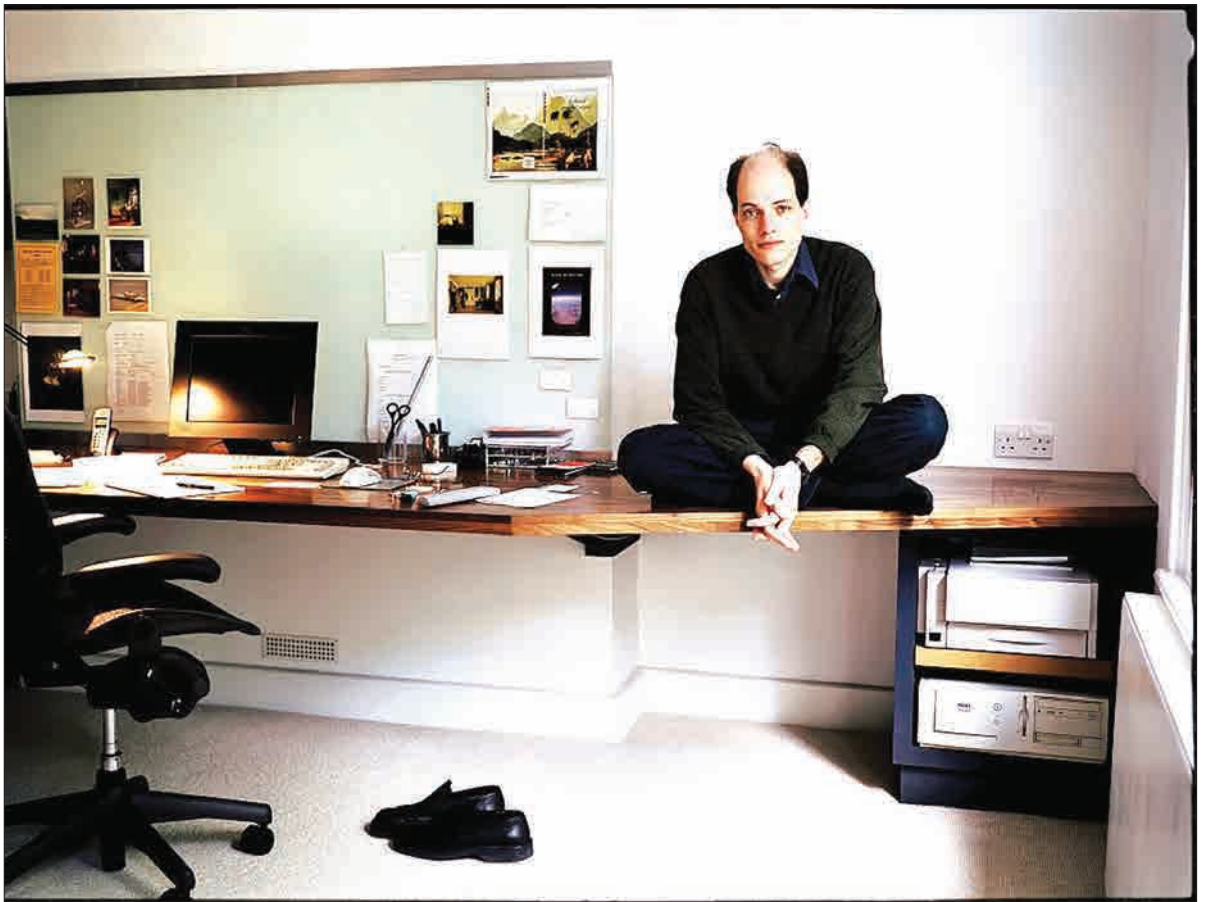
این‌بخشی از نمونه‌های منتخب فلوبر بودند تا نشان دهند سطره اخبار چگونه در حال شکل دادن نوعی توهم آگاهی در ما هستند. همین امروز هم می‌شود چند کلیدواژه را انتخاب کرد و با وجود چند پارگی جامعه، تعریف مخاطب را درباره آنها جویا شد؛ واژه‌ها و گزاره‌هایی نظیر «تورم»، «برجام»، «انتخابات»، «آزادی زنان»، «راهپیمایی» و... رسانه‌های مختلف بنا بر تسلط کم و بیش خود در حال فکرکردن به جای ما هستند و در عصر امروز ما فقط گمان می‌کنیم که فکر می‌کنیم. برای همین آگن دوباتن در کتاب «اخبار» رویکرد خبر در عصر حاضر را نوعی انحراف می‌داند چون یا در حال ایجاد وحشت در خواننده است یا برانگیختن خشم؛ «وقتی از خبرنگاران سوال می‌شود که مهم‌ترین نقش آنها در جامعه چیست، بر یکی از آنها بیش از همه تأکید می‌کنند: «می‌گویند مسئولیت‌شان این است که از قدرتمندان بخواهند پاسخگو اعمال‌شان باشند.» (ص ۵۸) برای همین تعریف خبرنگار و روزنامه‌نگار به افشاکاری تقلیل پیدا خواهد کرد و در بهترین حالت تحویل دهنده قانون شکنان به دست قانون. دوباتن اما از ما می‌پرسد توسعه تحقیر و برانگیختن شرم آیا ما را به سرزمین صلاح و سود و آسایش خواهد برد؛ «آیا شرم واقعا ابزار سودمندی برای اصلاح بشر است؟ آیا تحقیر می‌تواند موجب بهبود رفتار مردم شود؟ آیا آنها از ترس درس می‌گیرند؟» (ص ۶۳) او همه اخبار و تسلط خبری در روزگار ما را این‌طور شرح می‌دهد: «سازمان‌های خبری بی‌وقفه امیدمان را نقش بر آب می‌کنند، هر روزمان را با معصومیتی کاذب خوشامد می‌گویند و تا شب از خشم و دل‌سردی اشباع‌مان می‌سازند. دنیای خیالی کاملی را در نظرم‌مان مجسم می‌کنند که همیشه در دسترس قرار دارد ولی در هر گام از فرآیندهای سیاسی به نحوی اسرارآمیز از چنگ‌مان درمی‌رود.» (ص ۵۵) رویکرد این متفکر سوئدنی-انگلیسی در کتاب «اخبار» البته یأس‌آمیز و بی‌فرجام نیست. او در میانه‌های کتاب هم برای نویسنده و خواننده اخبار راهکار ارائه می‌دهد. نمونه‌هایی ادبی نظیر نمایشنامه‌های شکسپیر مثال می‌زند می‌پرسد چرا هنوز ما حاضر هستیم فرمان را درگیر اتفاقات این نمایشنامه کنیم؟ پرسش اصلی در واقع اینجاست که چرا ما به رویدادهایی گاهی حتی خیالی در ادبیات جهان تن می‌دهیم، درگیر آنها می‌شویم و بعد از فراغت از این‌گونه آثار، دیگر احساس کسالت نداریم؟ در حالی که کانال‌های خبری را در خشم و انزجار و گاهی ملال پشت هم عوض می‌کنیم و شب‌ها با جهانی یأس‌آلود و تیره‌سر روی بالش می‌گذاریم. توضیح دوباتن این است که «داستان‌ها قادرند در دو سطح عمل کنند. در سطح ظاهری، به جزئیاتی می‌پردازند که اگر خارج از محدوده آشنایی ما باشند موجب کسالت‌مان می‌شوند. اما در زیر این لایه جزئیات، لایه کلیات قرار گرفته است:

«مضمون‌های روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی که از زمینه‌های زمانی و مکانی داستان فراتر می‌روند و بر شباهت‌های بنیادین و تغییرناپذیر طبیعت انسان هتاکیه دارند.» (ص ۱۸۹) باین‌حال آیا می‌توان انتظار داشت که روزنامه‌نگار یا خبرنگار، ویلیام شکسپیر باشدی در هر روز کاری در دفتر تحریریه یک «مکتب» بنویسد؟ «چنین انتظاری البته بی‌پهلو است اما مقصود اینجاست که رویکرد اهالی رسانه باید این باشد که یک مضمون یا ایده را در بستری کلی تر بررسی کند. در مثالی واضح‌تر در ایران می‌شود به گزارش‌های درباره تن‌فروشی با عنوان «تن‌فروشی در گور برای یک فلافل» که چندی پیش در یکی از رسانه‌ها منتشر شد، اشاره کرد. (سایت «رویداد» ۲۴، بیست‌وششم آذر ۱۳۹۸) مطلب منتشر شده، گزارشی ترازیک از وضع زنی به نام «نریدا» بود که به‌راهدر شبکه‌های اجتماعی بازنشر شد. اما پرسش اینجاست که آیا ما فقط به دنبال برانگیختن خشم و انزجار خواننده هستیم؟ ردی از هراس درونی جامعه را گرفته‌ایم و تا کجای خواهیم دنبال کنیم؟ و پرسش مهم‌تر اینکه ما هم آیا در این فاجعه مقصریم؟ آخرین کاری که برای انبای بشر انجام داده‌ایم چه بوده؟ دقیقا چه روزی؟ چه ماهی؟ در کدام بخش از زندگی؟ تا سلف بار اینجاست که وظیفه ما فعلا این است که سیل اخبار ناگوار را در شبکه‌های اجتماعی برانیم و روی امواج خروشان افکار عمومی موج‌سواری کنیم. رفتار ما نشان می‌دهد گویی دور از فجاجه ایستاده‌ایم و فارغ از سازوکار رخ داده‌ایم؛ «اخبار در گزارش‌های خود درباره واقعه‌ای غمبار، اقدام هولناک شخصیت اصلی را منحصر به آن فرد خاص جلوه می‌دهد و به نتیجه‌ای فرآگیرتر و سودمندتر اشاره نمی‌کند؛ اینکه همه ما فقط تا مویی با چنین فجایعی فاصله داریم، ما بیش از حد باورمان را درگیر خلافاکاری‌های سایر اعضای نوع بشر کرده‌ایم. تراژدی نویسان یونان باستان هرگز این امر را فراموش نمی‌کردند. منظور آنها از نوشتن این وقایع غمبار این بود که به ما نشان بدهند چقدر می‌توانیم شرور، احق، مقهور امیال جنسی، اسیر خشم و کور باشیم و در عین حال فضایی را برای همدلی با همه اینها نیز در آثارشان باقی گذارند. با توجه به این آثار باید بپذیریم که همه ما اعضای گونه‌ای شاخص ولی به شدت ناقص‌ایم.» (ص ۱۹۶)

پرسش‌های آگن دوباتن در کتاب «اخبار» نظیر آثار دیگرش ما را به سمت پرسش‌های بیشتری می‌برد و در نهایت این‌گونه اندیشه‌ورزی را شایسته می‌داند؛ همان‌طور که در کتاب «جستارهایی در باب عشق» «هنر سیر و سفر» و «تسلط بخش‌های فلسفه» در این مسیر رفته است. بیش از یک دهه است که طرح همین سوالات و رسیدن به برخی پاسخ‌ها و ارتبیدل به یکی از محبوب‌ترین متفکران خارجی در ایران کرده‌است؛ طوری که تقریبا همگی آثارش در ایران ترجمه شده‌اند و «اخبار» هم یکی از آنهاست. چکیده پیشنهاد او اما به ما نویسندگان و شما خوانندگان اخبار در این کتاب شاید این جمله باشد: «سرنگون کردن قدرتمندان شاید رضایت‌بخش و حایز اهمیت باشد ولی تحقیقات خبرنگاری باید به‌هدفی متفاوت بپردازد که در عین حال مخل هدف قبلی هم نباشد: تلاش برای بهبود اوضاع.» (ص ۶۴) 📖



اخبار نویسنده: آگن دوباتن ترجمه: مریم تقدیسی انتشارات: ققنوس ۲۵۴ صفحه ۳۲ هزار تومان



به مناسبت انتشار کتاب «اخبار»، تازه‌ترین ترجمه از آثار آگن دوباتن در ایران

روح ما را قبضه کرده‌اند

شهرود کتاب «اخبار» تجزیه و تحلیل زیرکانه‌ای از تأثیر ماشین خبری به صورت مداوم بر ما و فرهنگ ماست. خبر همه‌جا هست؛ طوری که نمی‌توانیم چک کردن آن را روی صفحه کامپیوتر خود متوقف کنیم، اما این مسأله با ذهن ما چه می‌کند؟ هرگز به ما آموزش داده نمی‌شود چگونه با سیل خبر روزانه که تأثیر بسزایی در درک ما و چگونگی زندگی‌مان دارد، روبه‌رو شویم. آگن ۲۵ گزارش خبری را در نظر می‌گیرد - از جمله سقوط هواپیما، قتل، مصاحبه با فردی مشهور، رسوایی سیاسی و... - و همراه با تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. چرا ماجراهایی با نتایج فاجعه‌آمیز غالبا این قدر مسرت‌بخش هستند؟ چرا ما از تماشای سرنگونی سیاستمداران لذت می‌بریم؟ چرا اغتشاشات در سرزمین‌های دوردست اغلب آن قدر کسل‌کننده هستند؟ چه چیزی زندگی عاشقانه افراد مشهور را تا این حد جذاب می‌کند؟ دوباتن راهنمای نهایی زندگی دیوانه‌وار ما را در حال حاضر، به‌گونه‌ای نوشته است که با ایجاد آرامش و تفاهم به سنجشی عقلانی در این عصر مملو از وسواس خبری دست می‌یابیم. نویسنده در مقدمه کتاب، مواجهه هر روز و هر لحظه ما را با اخبار، کاری بدون آداب و دستورالعمل می‌داند که به عادی‌ترین، بدبختی‌ترین و معمولی‌ترین کار دنیا مثل نفس کشیدن تبدیل شده است. او این عادت فرآگیر را امری عجیب و حتی خطرناک می‌بیند. این فیلسوف با اشاره به قدرت اخبار به‌عنوان نیروی تعیین‌کننده حال و هوای زندگی اجتماعی و شکل‌دهنده تصورات ما از جامعه می‌نویسد: «همان‌طور که سیاستمداران به خوبی می‌دانند، اگر می‌خواهید طرز فکر مردم کشوری را تغییر دهید لازم نیست به سمت گالری‌های هنری، مراکز آموزش و پرورش یا خانه نویسندگان مشهور بروید؛ کافی است مستقیم مرکز اعصاب بدنه سیاسی، یعنی ستاد فرماندهی اخبار را هدف قرار دهید. آگن دوباتن با اشاره به ایجاد ترس و هراسی که اخبار در ناخودآگاه ما به وجود می‌آورد و ما را در انتظار دایم دریافت اخبار بد قرار می‌دهند بر این باور است که همین هراس، دلیل مراجعه دایم ما به گوشه‌های هوشمند و دنبال‌کردن اخبار در فضای مجازی است. او معتقد است همه ما برای رهایی از بلایی که اخبار به سرمان می‌آورد به کمک نیاز داریم و از این‌رو راهنمایی کوچک در جهت مصلحت همه ما نوشته است تا از پیچیدگی‌های عادی پرده بردارد که ظاهر بیش از حد عادی و بی‌ضرر به نظر می‌رسد. کتاب «اخبار» علاوه بر زیر سوال بردن ماهیت خبر، نتایجی را ترسیم می‌کند که اصالت و صداقت کنونی خبر را در جامعه ما نابود می‌کند. جای تعجب نیست که بسیاری از روزنامه‌نگاران از انتقاد دوباتن ناراحت هستند، چراکه ایده‌های او مخالف با منافع تجاری آنهاست. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌ای از گفت‌وگوی آگن دوباتن با نشریه خبری هافینگتون است.

فکر می‌کنید بسیاری از افراد از تأثیرات روانی خواندن خبر آگاهی دارند؟

آگن دوباتن: ما اصلا مسائل را تفسیر نمی‌کنیم. به آنها اجازه می‌دهیم روح ما را قبضه کنند؛ درست مانند یک فرقه، مانند یک آیین مذهبی... در کشورهای توسعه‌یافته، اخبار اکنون قدرت را به دست گرفته‌اند، موضعی برابر با آنچه در گذشته مذہب در اختیار داشت. در اینجا نیز امیدواریم به کشف و شهود برسیم؛ بیاموزیم چه کسی خوب است و چی کسی بد؛ چه بسا رنج بکشیم و منطق آشکار وجود را درک کنیم.

اگر شما موجودی فزاینده بودید که از سیاره ما دیدن می‌کردید، فکر می‌کنید واکنش شما نسبت به اخبار ما چه بود؟

من از این واقعیت که خبرهای زیادی وجود دارد، خیلی شگفت‌زده نمی‌شوم، بلکه بیشتر از روشی تعجب می‌کنم که به‌کار می‌گیریم تا مردم را برای مواجهه با این موضوعات عجیب و غریب آماده نکنیم. ما مردم را در مصرف اخبار آموزش نمی‌دهیم. جوامع مدرن در دستور کار خود برای آموزش و پرورش، از بررسی تأثیرگذارترین ابزارهای مردم از طریق آن آموزش می‌بینند، غفلت می‌کنند. در واقع نوعی آموزش قوی‌تر و مداوم‌تر از آنچه در کلاس‌های درس ما اتفاق می‌افتد، در امواج رادیویی، صفحه‌های تلویزیون و گوشه‌های هوشمند ما در حال رخ دادن است. وقتی آموزش رسمی ما به پایان می‌رسد، خبر است که معلم ما می‌شود؛ مهم‌ترین نیرویی که آهنگ زندگی عموم را تشکیل می‌دهد و برداشت‌های ما را از اجتماع فراتر از دیوارهای ذهنی خودمان شکل می‌دهد. همین نیرو، خالق اصلی واقعیت سیاسی و اجتماعی ماست. این مسأله کمک می‌کند تا توضیح دهم چرا این کتاب را نوشته‌ام؛ کمک می‌کند تا معنای یکی از قدرتمندترین منابع کار جهان در عصر حاضر مشخص شود.

به نظر شما چگونه باید برای اخبار اهمیت قائل شد؛ مخصوصا برای جوانان که هنوز در دانشگاه تحصیل می‌کنند یا افرادی که اکنون شاغل هستند؟

فکر می‌کنم اولویت اصلی، سیاسی شدن به معنای وسیع است؛ آگاهی از آنچه دارد اتفاق می‌افتد و مشتاق بودن برای تغییر چیزها در جهت بهتر شدن امور. مشکل این است، اخبار این پروژه را سخت می‌کند؛ اخبار هم‌زمان مسائل بسیار مهمی را برای ما مطرح می‌کند و سپس خیلی سریع با تغییر موضوع و معرفی صد نگرانی دیگر، ما را از مسأله اصلی منحرف می‌کند.

به سادگی می‌توان دید که دشمن واقعی سیاست دموکراتیک باید سانسور فعال اخبار باشد، بنابراین آزادی بیان یا انتشار هر مطلبی، حامی مسلم تمدن خواهد بود.

اما دنیای مدرن به ما می‌آموزد که فعالیت‌هایی بسیار موزیانه‌تر و بدبینانه‌تر

ما در عصری با غنای فرهنگی بی‌نظیر زندگی می‌کنیم. انسان هر ساله حدود ۳۰۰ هزار فیلم می‌سازد، حدود ۲ میلیون کتاب می‌نویسد و ۱۰۰ هزار آلبوم موسیقی عرضه می‌کند. حدود ۹۵ میلیون نفر در سال هم از موزه‌ها و گالری‌ها بازدید می‌کنند. اخبار فرهنگی موظف است با غربالگری این سیل خلایق، مخاطبان خود را به سمت بهترین آثار هنری سوق دهد. اخبار فرهنگی وظیفه دارد بین هنر و مخاطبان هنر واسطه شود و بین آنها پیوندی رضایت‌بخش برقرار کند. (ص ۲۳۳)

وقتی بی‌تفاوت از کنار اخبار می‌گذریم، باید کمی به خود بپردازیم و به این مسأله توجه کنیم که ما یکی از اولین نسل‌هایی هستیم که مجبوریم با سیل اطلاعات مربوط به مسائلی بسیار دور از زندگی شخصی خودمان مقابله کنیم. در قسمت اعظمی از تاریخ، دریافت اطلاعات در مورد آنچه در هر جای دیگر اتفاق می‌افتاد، بسیار دشوار بود. احتمالا برای شما مهم نباشد. چه فایده‌ای دارد اگر در مجمع‌الجزایر هیریدیها کشاورز باشیم و در عین حال بدانید در امپراتوری عثمانی نزاع بر سر قدرت رواج داشت؟ ما مدام در حال دریافت اطلاعاتی هستیم که واقعا نمی‌دانیم باید با آنها چه کنیم. جای تعجب ندارد که بعضی وقت‌ها این مسأله کمی برای‌مان کسل‌کننده می‌شود.

ادامه خواهد داد؟

بله، اما امیدوارم اصحاب خبر مسئولیت‌های خود را جدی‌تر بگیرند. چندین شغل تأثیرگذار دیگر نیز خارج از این حیطه وجود دارد.

یک یادداشت خبری چگونه باید شلوغ‌تر به نظر برسد تا اجازه دهد هر گزارشی با نمای کلی از داستانی کوتاه آغاز شود؟

یک سرویس خبری کامل به این صورت هدایت می‌شود که شخص باید به‌کجا برود، در ذهن خود مدینه فاضله اقتصادی، جامعه‌ای در عین حال مرفه و متمدد بسازد که با اهداف مناسب به مقدار پول دلخواهش برسد و این نتایج را برایش به ارمغان آورد؛ تحقق آرزوهایش، عدالت، سخاوت، زیبایی و مهربانی.

اگر دوباتن روزنامه‌ای داشته باشد، آیا کسی می‌خواهد این روزنامه را با داستان‌های سرگرم‌کننده سرشار از تحقق آرزوها و عدالت بخواند؟

مصاحبه‌ای ایدئال با یک سلبریتی می‌تواند در پاسخ به این‌گونه سوالات به ما کمک کند. یکی از آنها در مصاحبه‌ای گفته بود: «اگرچه من هیچ‌گونه جاه‌طلبی هنری ندارم، اما به‌واقع چگونه هنرمندی دارای چندین استعداد که در همه چیز از سفالگری تا معماری مهارت دارد، با برنامه‌های شغلی من می‌تواند حتی نفس بکشد؟» حرفم این است به جای اینکه عشق به شهرت را در خود سرکوب کنیم، باید آن را هوشمندانه به جهاتی دیگر منتقل کنیم. علاوه بر این، جامعه‌ای که به‌درستی سازمان یافته باشد، می‌تواند جایی باشد که افراد مشهور آن بالاترین، نجیب‌ترین و سودمندترین ارزش‌های اجتماعی را تجسم و تقویت کنند. 📖